

## چارچوب و مؤلفه‌های حق اعتراض سیاسی در مضامین قرآن کریم

علی ربیع‌زاده • دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
a.rabieezade@isu.ac.ir

اصغر افتخاری • استاد، گروه علوم سیاست‌گذاری و حکمرانی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.  
a.eftekhari@isu.ac.ir

سعید منصوریان • دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.  
s.mansoorian@isu.ac.ir

## چکیده

حق اعتراض سیاسی از مهم‌ترین مصادیق نسل اول حقوق بشر یعنی حقوق مدنی و سیاسی قلمداد می‌شود که در اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده است. اعتراض سیاسی با توجه به حساسیت‌های بسیاری که نسبت به آن وجود دارد، در طیف گسترده‌ای از تعاریف بررسی شده است که حد مشترک همه آن‌ها، شناسایی اعتراض سیاسی به‌عنوان نوعی کنش جمعی سلبی و انتقادی، با هدف اثرگذاری بر وضع موجود نظام حقوقی و سیاسی و یا کنشگران آن است. علی‌هذا بررسی این حق، مبانی و مؤلفه‌های آن در قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع فقه اسلامی و نقش آن در پایه‌ریزی حقوق بشر اسلامی، از ضرورت و اهمیت بسیار برخوردار است؛ به‌ویژه آن‌که پیشینه قابل توجه و روشمندی میان آثار علمی موجود در این زمینه وجود ندارد. بر همین اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه «قرآن کریم چه مضامینی پیرامون حق اعتراض سیاسی و جایگاه آن ارائه می‌کند؟» برای پاسخ به این سؤال بنیادین، از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شده و این نتیجه حاصل گردیده است که اولاً در قرآن کریم حق اعتراض سیاسی به‌رسمیت شناخته شده است، ثانیاً اعتراض سیاسی در چارچوبی اصلاحی و کاملاً متمایز با هرگونه اقدام رادیکال، خشن و تضييع‌کننده حق‌الناس و حقوق عمومی مطرح شده و ثالثاً ضمن تفکیک انواع حکومت‌ها در قرآن کریم، در حکومت‌های مشروع شیوه گفتگو محور و اقتناعی اعتراض، ضرورت استماع مطالبات معترضان و پاسخگویی به ایشان از سوی حکومت، و در حکومت‌های نامشروع ضرورت اعتراض و مطالبه‌گری مستقیم سیاسی از سوی مردم و گفتگوی اقتناعی با حکومت و افکار عمومی و لزوم آشنایی با ابزارهای حکومت‌های نامشروع برای تضييع حق اعتراض سیاسی مورد تأیید قرآن کریم قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حقوق بشر، حقوق مدنی و سیاسی، حق اعتراض سیاسی، حقوق بشر اسلامی.



حق اعتراض سیاسی یکی از مصادیق بسیار مهم نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی) محسوب می‌شود. امروزه موضوع اعتراض سیاسی و کنش اعتراضی در جهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مظاهر نقش‌آفرینی عمومی در نظام‌های سیاسی مورد توجه قرار گرفته و گفتگوها و بعضاً منازعات بسیاری پیرامون آن وجود دارد. اقشار مردم در کشورهای مختلف با اهداف گوناگون به این امر مبادرت ورزیده و می‌کوشند تا به‌عنوان شهروند بخشی از نقش و جایگاه اجتماعی خود را به نمایش بگذارند. در این روند معمولاً انتقاد از مبانی، اصول، ساختارها، هنجارها و کنشگران نظام سیاسی یا حقوقی از روندهای کنش اعتراضی محسوب می‌شود. در ایران اسلامی نیز طی دهه‌های گذشته کنش‌های اعتراضی به شیوه‌های مختلف مشاهده شده و افکار عمومی را به خود معطوف داشته است؛ اختلاف‌نظر درباره اصل و جایگاه اعتراض، مشروعیت دینی یا قانونی اعتراض در حکومت اسلامی، نحوه مواجهه حاکمیت با معترضان و حقوق معترضان همواره وجود دارد و در برخی موارد جمع‌بندی پیرامون دیدگاه صحیح بسیار دشوار به نظر می‌رسد. از همین رو فهم دیدگاه و رویکرد قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع فقه و معارف اسلامی و جایگاه ویژه آن در فرایند استنباط احکام اسلامی و به تبع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن در رکن اسلامی قانون اساسی (اصل ۴) و ساختارهای نظام جمهوری اسلامی ایران لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ بررسی جایگاه و ضوابط حق اعتراض سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین کنش اعتراضی در قرآن کریم و تحلیل مضامین مرتبط با آن به اتکای بررسی‌های جامع و دقیق تفسیری و بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی می‌تواند پاسخ‌های مناسبی را برای بسیاری از سؤالات و ابهامات در این زمینه فراهم آورد و چارچوب ارزشمندی برای طراحی و تبیین حقوق بشر اسلامی محسوب گردد.

با عنایت به مقدمات فوق، هدف اصلی این مقاله تحلیل مضامین تفصیلی در قرآن کریم پیرامون معنا، جایگاه و ضوابط حق اعتراض سیاسی است. برای تحقق این هدف مضامین قرآن کریم پیرامون شرایط معترضان، مصادیق اعتراض، کیفیت بهره‌گیری از حق اعتراض و کیفیت مواجهه حکومت با اعتراض و معترضان مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

بر همین اساس سؤال اصلی این پژوهش «قرآن کریم چه مضامینی پیرامون حق اعتراض سیاسی و جایگاه آن ارائه می‌کند؟» است. این پژوهش دارای دو سؤال فرعی است:

۱. «آیا قرآن کریم حق اعتراض سیاسی را به رسمیت می‌شناسد؟»
۲. «مؤلفه‌ها و ضوابط اعمال و استیفای حق اعتراض سیاسی در حکومت‌ها اعم از حکومت

مشروع (الهی) و حکومت نامشروع (طاغوت) از منظر قرآن کریم چیست؟» لازم به ذکر است این مقاله فرضیه آزما نیست.

- پیشینه پژوهش: حق اعتراض سیاسی و مؤلفه‌های آن از ابعاد گوناگون تاکنون از سوی نویسندگان و پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است:

- محقق هندی-پاکستانی ابوالاعلی مودودی در کتاب «Human rights in Islam» به صورت کلی اعتراض سیاسی را یکی از حقوق انسان‌ها برای رهایی از ظلم و ستم و استکبار دانسته است اما مؤلفه‌های این حق را بررسی نکرده است (Maudoodi, 1980).
- برتران بدیع در مقاله «اعتراض و بازسازی سیاسی در جهان اسلام» ترجمه احمد نقیب زاده به امکان و چگونگی نوسازی سیاسی در کشورهای جهان اسلام و الگوهای اتوپیایی آن‌ها پرداخته است (بدیع، ۱۳۷۷).
- سعیدآبادی در کتاب «جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی: نظریه‌ها و رویکردها» به بررسی و تحلیل انتقادی رویکردهای نظری جنبش‌های اجتماعی و اعتراض‌های سیاسی پرداخته و تلفیقی از نظریه‌های مزبور را برای مطالعه این پدیده در جوامع گوناگون ارائه می‌دهد (سعیدآبادی، ۱۳۸۰).
- صدیقیان بیدگلی در پایان‌نامه «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به اعتراض‌های سیاسی» با تأکید بر نظریات جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی موضوع پرداخته است (صدیقیان بیدگلی، ۱۳۸۹).
- خواجه سروی و حسینی در «دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» به ارتباط میان دو مفهوم اعتراض و ثبات پرداخته و راهکاری عینی برای حل تعارض دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهند (خواجه سروی و حسینی، ۱۳۹۷).
- لطفی در کتاب «اعتراض سیاسی در حکومت اسلامی از منظر فقه شیعه» تلاش نموده تا چارچوبی مشخص برای ابراز اعتراض سیاسی به عملکرد سوء زمامداران در قالب ضوابط فقه شیعه ارائه کند (لطفی، ۱۳۹۷).
- حبیب نژاد و سعید در مقاله «بررسی حقوقی آزادی تحصن در نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تطبیقی به آزادی تجمع» یکی از مصادیق کنش اعتراضی را از منظر

حقوقی مورد بررسی قرار داده‌اند (حبیب نژاد و سعید، ۱۳۹۸).

▪ طالبان در مقاله «دین‌داری و پتانسیل اعتراض سیاسی» از منظر جامعه‌شناسی دینی به موضوع اعتراض سیاسی پرداخته است (طالبان، ۱۳۹۹).

نکته مهمی که در بررسی پیشینه وجود دارد این است که موضوع حق اعتراض سیاسی از منظر قرآن کریم به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است و جنبه نوآوری این پژوهش محوریت داشتن مضامین قرآن کریم در زمینه اعتراض سیاسی و طبقه‌بندی مضامین مذکور است.

- روش پژوهش: این پژوهش از نوع بنیادی بوده و رویکرد محققان توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها اسنادی بوده و با مراجعه مستقیم به کل آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر صورت پذیرفته است. روش تحلیل داده‌ها نیز تحلیل مضمون است. بر همین اساس ابتدا با هدف فهم معنا، مؤلفه‌های مرتبط با حق اعتراض سیاسی در منابع تخصصی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس مضامین تمامی آیات قرآن کریم از همین رهیافت مورد بررسی قرار گرفته و از میان آن‌ها آیاتی که مستقیماً با حق اعتراض سیاسی مرتبط بوده‌اند استخراج و به همراه سیاق تفسیری معرفی شده‌اند. در گام بعد این آیات در قالب جدول مضامین و برپایه مضامین پایه، مضامین سازمان و مضامین فراگیر واکاوی و طبقه‌بندی شده‌اند و در نهایت بر مبنای یافته‌های تحقیق، پاسخ سؤالات اصلی و فرعی ارائه شده است.

#### ۱. مبانی مفهومی: حق اعتراض سیاسی

حق اعتراض سیاسی به دلیل حساسیت‌هایی که نسبت به آن وجود دارد و شناسایی آن می‌تواند چالش‌هایی را برای دولت‌ها به دنبال داشته باشد، در طیف گسترده‌ای از تعاریف محافظه‌کارانه و رادیکال مورد بررسی قرار گرفته است. معمولاً این تعاریف اعتراض سیاسی را نوعی کنش سیاسی سلبی (مطالبه‌گرانه) می‌دانند که با هدف اثرگذاری و اصلاح کنش‌ها و کنشگران سیاسی و حقوقی موجود صورت می‌پذیرد. به‌عنوان مثال اعتراض سیاسی از منظر آپ (۱۴۰۰) دربرگیرنده هرگونه کنش جمعی سیاسی است که با هدف تأثیرگذاری بر تصمیمات کنشگران سیاسی (اعم از اینکه دارای قدرت رسمی یا غیر رسمی در ساختار سیاسی موجود هستند) شکل می‌گیرد. در چارچوب این تعریف می‌توان طیف وسیعی از کنش‌های مسالمت‌آمیز نظیر انواع اجتماعات، مذاکره و نگارش بیانیه را برشمرد (آپ، ۱۴۰۰، ص. ۲۵).

تعریف دیگری که می‌توان پیرامون اعتراض سیاسی بیان کرد، دیدگاهی است که لپسکی (۱۹۶۸) بیان می‌کند. در این تعریف که وجوه اشتراک بسیاری با تعریف فوق دارد، فعالیت یا کنش اعتراضی

به شیوه‌ای از کنش سیاسی با هدف انتقاد به سیاست‌ها و شرایط فعلی ناشی از اقدامات دولت و عموم فعالان سیاسی آشکار یا پنهان اطلاق می‌شود. صفت بارز این کنش که درون نظام سیاسی حتی با اعتقاد به عدم مشروعیت آن صورت می‌گیرد، نمایش یک ویژگی نامتعارف برای گرفتن امتیاز از کنشگران سیاسی و حتی سایر کنشگران وابسته به سیاست از جمله کنشگران اجتماعی و اقتصادی است (Lipsky, 1968, p.1120).

در مجموع و بر اساس تعاریف فوق درمی‌یابیم که مؤلفه‌هایی همچون جمعی بودن، مسالمت‌آمیز بودن، واکنش محور بودن و تحول‌خواهی از مؤلفه‌های اصلی اعتراض سیاسی است که می‌تواند در مواجهه با کنشگران رسمی سیاسی یا کنشگران غیر رسمی مؤثر صورت پذیرد.

از منظر حقوقی، این دیدگاه وجود دارد که حق اعتراض سیاسی که از زمره نسل اول حقوق بشر (حقوق مدنی و سیاسی) و نوعی آزادی منفی محسوب می‌شود، به پشتوانه برخی از حقوق بنیادین و بشری دیگر توسعه یافته و در صورت احترام به حقوق مذکور و اصول مرتبط با آن امکان استیفای حق اعتراض سیاسی وجود خواهد داشت. اولین پشتوانه این حق که بر پایه حق سنتی شکل دادن گردهمایی‌ها و اجتماعات عمومی تکامل یافته است، «تساوی و منع تبعیض» و «آزادی بیان» است؛ همان‌گونه که افراد موافق یک سیاست یا تصمیم کنشگران سیاسی حق ابراز دیدگاه و حمایت خود را دارند، مخالفان و معترضان نیز باید بتوانند به چنین موقعیتی دست پیدا کنند و بدون نقض قوانین و بدون خشونت دیدگاه اعتراضی خود را بیان دارند. پشتوانه دوم، «منع بازداشت خودسرانه» است، مطابق این ضابطه هیچ فردی را نباید بدون دلیل و بدون مستندات قانونی بازداشت نمود. بسیاری از محققان و نظریه‌پردازان بر این باور هستند که صرف اعتراض سیاسی از جمله دلایل موجه بازداشت افراد محسوب نمی‌شود و قوانین داخلی نباید کنش‌های اعتراضی را مادامی که به اقدامات خشن و غیرقانونی ختم نشده است، ممنوع نماید (Head, 2024, p.18). بر همین مبنا حق اعتراض سیاسی از انواع گونه‌های خشن و رادیکال همچون کودتا، شورش و اغتشاش تمایز می‌یابد.

بسیاری از معاهدات بین‌المللی این حق و مؤلفه‌های مرتبط با آن را به رسمیت شناخته‌اند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) در مواد ۱۸ الی ۲۲ به این موارد اشاره می‌کند. همچنین در ماده ۹ به «حق آزادی فکر، وجدان و مذهب»، در ماده ۱۰ به «حق آزادی بیان»، در ماده ۱۱ به «حق آزادی اجتماع با دیگران از جمله حق تشکیل و عضویت در اتحادیه‌های صنفی را برای حفظ منافع خود» اشاره نموده است. در معاهدات منطقه‌ای، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰)

در مواد ۹ الی ۱۱ به این حق صراحتاً اشاره نموده است. گفتنی است این حق در این معاهدات و رویه‌های حقوقی، مطلق و بدون محدودیت نیست. به‌عنوان مثال میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به ممنوعیت‌هایی در مورد «تبلیغ جنگ» و حمایت از «نفرت ملی، نژادی یا مذهبی» اشاره نموده است. همچنین این میثاق در ماده ۲۱ در زمینه محدودیت‌های حق تشکیل مجامع مسالمت‌آمیز مقرر داشته است: «اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نمی‌تواند باشد جز آنچه بر طبق قانون مقرر شده و در یک جامعه دموکراتیک به مصلحت امنیت ملی یا ایمنی عمومی یا نظم عمومی یا برای حمایت از سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد». (Gillion, 2013, p.7-8).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۲۶ و ۲۷ بدون اشاره مستقیم به اصطلاح «حق اعتراض سیاسی» مقرر نموده است:

- اصل ۲۶: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.»
- اصل ۲۷: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلامی نباشد آزاد است.»

اگرچه اصل ۲۷ به اجتماعات و راهپیمایی‌ها اشاره می‌کند؛ اما از آنجایی که تشکیل اجتماعات و انواع گردهمایی‌ها یکی از پشتوانه‌های حق اعتراض سیاسی و به تعبیری مهم‌ترین شیوه ابراز اعتراض سیاسی نیز به شمار می‌آید، این اصل را باید در همین راستا تحلیل و تفسیر نمود و به این نتیجه دست یافت که حق مذکور در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است. ضمن اینکه بسترهای قانونی حق اعتراض همانند فعالیت در احزاب و جمعیت‌ها در اصل ۲۶ پیش‌بینی شده است،

برخی بر این باور هستند که به پشتوانه استدلال فوق، می‌توان اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را موسع تفسیر نمود و سایر مصادیق مسالمت‌آمیز اعتراض سیاسی از جمله آزادی تحصن را از آن استنباط نمود. تحصن تجمعی سازمان‌یافته و مسالمت‌آمیز برای بیان نظرات است که تحصن‌کنندگان به‌منظور دستیابی به هدف خود در یک مکان خاص می‌نشینند. اگرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌طور مشخص از واژه «تحصن» نامی نبرده اما در قوانین عادی و



غیر رسمی در نقش رهبر جریان منتقد حکومت وقت) انتقاد و اعتراض مسالمت آمیز جمعی داشته و خواهان اصلاح آن باشند، می‌توان آن را در حیطه اعتراض سیاسی تحلیل نمود. نکته مهم در فهم دیدگاه قرآن کریم این است که نباید تجربه و پیش‌فرض‌های ذهن بشری بدون تبعیت از ضوابط معتبر به قرآن تحمیل شود، بلکه لازم است موضع قرآن در نسبت با آن تجربه به صورت روشمند بیان گردد (صدر، ۱۳۹۲، ص. ۳۵)؛ در نتیجه در این تحقیق فقط دلالت‌های مستقیم آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته‌اند و دلالت‌های غیرمستقیم و التزامی در محدوده بررسی قرار نگرفته‌اند؛ چراکه ذیل سرفصل‌ها و موضوعاتی غیر از حق اعتراض سیاسی مطرح می‌گردند و شائبه تفسیر به رأی و خروج از ضوابط تفسیر موضوعی به وجود می‌آید.

در گام بعد نتایج به دست آمده در منابع تفسیری نیز مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به اتکای روش تحلیل مضمون، جدول مضامین آیات مرتبط طراحی شده و این مضامین در قالب دسته‌بندی سه‌گانه مضمون پایه، سازمان دهنده و فراگیر دسته‌بندی و کدگذاری شده و موضع شاهد آن‌ها هم برای درک بهتر سیاق آیات در جدول اضافه شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش و کدهای جدول مضامین که در بخش‌های بعدی ارائه می‌گردد، به صورت کلی می‌توان تمامی مضامین قرآن کریم را ذیل حق اعتراض سیاسی در حکومت الهی و حق اعتراض سیاسی در حکومت طاغوت طبقه‌بندی کرد.

با توجه به این‌که در قرآن کریم تمامی آیات مرتبط با حق اعتراض سیاسی به دو ماجرای سیاسی در تاریخ انبیاء علیهم‌السلام مربوط می‌شوند، معرفی آیات و بررسی تفسیری آن‌ها بدین شرح است: نخست ماجرای برگزیده شدن طالوت به فرماندهی و فرمانروایی است که مورد اعتراض مردم قرار می‌گیرد. ماجرای دوم که در آیات متعدد قرآن کریم بیان شده است به جریان برگزیده شدن حضرت موسی علیه‌السلام و هارون با هدف اصلاح فرعون و مقابله با فساد وی مربوط می‌شود.

#### **۱.۱.۲. برگزیده شدن طالوت به عنوان فرمانروا و اعتراض بنی اسرائیل**

مطابق با آیات ۲۴۶ و ۲۴۷ سوره مبارکه بقره و روایات تفسیری مرتبط با آن، بنی اسرائیل پس از درگذشت حضرت موسی علیه‌السلام به عصیان پرداخته و دین خدا را تحریف کردند و از دستورات خداوند سرپیچی نمودند؛ در حالی که در جمعشان پیامبری بود که آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد؛ ولی آن‌ها از وی فرمان‌برداری نمی‌کردند. پس از به حکومت رسیدن جالوت در سرزمین فلسطین که فرمانروایی ستمگر بود، بنی اسرائیل شرایط بسیار سختی را تجربه کردند و از سرزمین‌های خود بیرون رانده شدند. آن‌ها در این شرایط از پیامبر زمان خود خواستند که فرمانده



و فرمانروایی برای آن‌ها برگزیند تا به مبارزه با جالوت بپردازند. پیامبر آنان که در این زمان شموئیل یا طبق برخی روایات ارمیای نبی بود (بحرانی، ۱۳۸۹، ص. ۷۵۹)، بر این باور بود که بنی‌اسرائیل نافرمانی کرده و از شخصی که خدا برمی‌گزیند، اطاعت نمی‌کنند. در نتیجه، به آن‌ها هشدار داد و در مقابل، بنی‌اسرائیل با لحنی اطمینان‌بخش تعهد دادند که بدون قید و شرط از این فرمانروای مشروع در زمینه تشکیل حکومت الهی و مقابله با حکومت نامشروع اطاعت خواهند کرد. خداوند متعال طالوت را به‌عنوان حاکم و فرمانده آنان (در نقش کنشگر سیاسی برای تشکیل حکومت الهی) برگزید اما آن‌ها با دریافت این دستور، به پیامبر اعتراض کرده و خود را (به شرحی که در نکات تفسیری بیان خواهد شد) برتر از طالوت دانستند و پس از اینکه اعتراضشان با پاسخ استدلالی پیامبر به نتیجه نرسید، در ادامه اقدام به نافرمانی کردند. پیامبر بنی‌اسرائیل به‌صورت مستدل به آن‌ها پاسخ داد و در مجموع اگرچه بنی‌اسرائیل این پاسخ‌ها را پذیرفتند، اما در طی مسیر مبارزه با جالوت به نافرمانی از طالوت و ترک نبرد پرداختند (فیض کاشانی، ۱۳۷۳، صص. ۲۷۷-۲۷۴).

جدول شماره (۱): آیات مرتبط با ماجرای برگزیده شدن طالوت به‌عنوان فرمانروا و اعتراضات مرتبط

نام سوره	بیان آیات
سوره مبارکه بقره آیات ۲۴۶ و ۲۴۷	<p>أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذِ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾</p>

چند نکته تفسیری مهم پیرامون این آیات وجود دارد:

۱. مقصود از «ملأ» گروهی از مردم هستند که وحدت نظر داشته و چون چشم‌ها را از عظمت و ابهت پر می‌کنند، این نام برای آن‌ها انتخاب شده است. در اینجا منظور از «ملأ» بزرگان بنی‌اسرائیل هستند که برای مبارزه با جالوت از پیامبر خود درخواست می‌کنند تا شخصی را برای آن‌ها برگزیند. این درخواست به دلیل ظلمی بود که جالوت نسبت به آن‌ها روا می‌داشت و مجبور بودند خود را از آن‌ها بکشند. این امر از لحاظ تاریخی بعد از واقعه‌ای بود که طی آن به علت نافرمانی خطاهایشان افزایش یافت و عهده‌ای را که خداوند بر عهده آنان گذاشته بود فراموش کردند (طبرسی، ۱۳۶۷ الف، صص. ۶۱۰ و



جدول شماره (۲): آیات مرتبط با ماجرای اعتراض حضرت موسی علیه السلام و هارون به فرعون

نام سوره	بیان آیات
سوره مبارکه یونس	ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧٦﴾ قَالَ مُوسَى اتَّقُوا اللَّهَ لَلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسْحَرُ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾
سوره مبارکه طه	إِذْ هَبَّا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿٢٣﴾ فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿٢٤﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطَّعَى ﴿٢٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿٢٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِنُخْرِجَنَّكَ مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكَ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى ﴿٦٣﴾
سوره مبارکه شعراء	فَأْتِيَ فِرْعَوْنَ فَقَوْلًا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٧﴾ قَالَ لِلْمَلَأِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾
سوره مبارکه اعراف	فَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾
سوره مبارکه غافر	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾ وَ قَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَ لْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٢٦﴾ وَ قَالَ مُوسَى إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٢٧﴾ وَ قَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَ تَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَ قَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَ إِنَّ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ إِنَّ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٢٨﴾
سوره مبارکه نازعات	هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿١٥﴾ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٦﴾ أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَ عَصَى ﴿٢١﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى ﴿٢٢﴾ فَحَشَرَ فَنَادَى ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى ﴿٢٤﴾

در تفاسیر معتبر نکات ارزشمند بسیاری پیرامون این آیات بیان شده است:

- در این جریان فرعون همواره مردم را با اجبار و آزار گرد هم می آورد و خود را پروردگار بزرگ ایشان می خواند. حتی برای مقابله با حضرت موسی علیه السلام این ادعا را تکرار می نمود (طباطبایی، ۱۳۴۱ ه، ص. ۱۸۸).
- مقصود از «حق» در آیه ۷۶ سوره مبارکه یونس، آیات و معجزات خداوند است که مصادیق آن شامل ازدها شدن عصا و ید بیضا می شود. مطابق با این آیه و آیه بعدی حق در مقابل سحر که امری مذموم است قرار دارد و فرعون در تلاش بود تا عنوان سحر را

- برای اقدامات حضرت موسی نهادینه و ترویج کند (طبرسی، ۱۳۶۷ ب، ص. ۱۸۹).
۳. از بین بردن سنت و طریقه نیاکان از جمله مواردی است که فرعون و بزرگان مصر سعی داشتند در تحریک افکار عمومی علیه حضرت موسی علیه السلام از آن استفاده کنند. «صرف نظر کردن از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم» ادعایی بود که مطابق با آیه ۷۸ سوره مبارکه یونس در برابر حضرت موسی علیه السلام بیان می‌شد. از جمله مصادیق طریقه نیاکان که در آیه ۶۳ سوره مبارکه طه بیان شده است، از بین بردن سنت یا راه نزدیک‌تر به حق است. مقصود از سنت نزدیک‌تر به راه حق نیز مذهب و تثبیت است که طبق آن، خدای متعال از عبادت منزّه دانسته شده و واسطه‌های متنوعی به‌عنوان معبود برگزیده می‌شوند. این واسطه‌ها می‌توانند شامل فرشتگان، اجنه یا قدیسیان از انسان‌ها باشد و حتی شامل سلاطین بزرگ هم بشود؛ چنانچه فرعون نیز به‌عنوان معبود از سوی مردم برگزیده شده بود (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص. ۲۳۰).
۴. مقصود از عبارت «تَكُونُ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ» در آیه ۷۸ سوره مبارکه یونس ریاست، حکومت و گسترده شدن قدرت و نفوذ اراده است. فرعون و بزرگان جامعه با بیان این عبارت سعی داشتند هدف حضرت موسی علیه السلام و هارون را کسب قدرت عنوان کرده و آن‌ها را قدرت طلب معرفی نمایند. این در حالی بود که هیچ‌یک از سخنان و اقدامات حضرت موسی و هارون دلالت بر چنین موضوعی نداشت (طباطبایی، ۱۳۴۱ ب، ص. ۱۰۹).
۵. خدای متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام و هارون به «قول لِّين» امر می‌کند. مقصود از قول لِّين ممانعت از خشونت است که به‌عنوان یکی از آداب دعوت و تبلیغ محسوب می‌شود. هدف قول لِّين تذکر و خشیت فرعون است که اولی به قبول یادآوری و دومی به مقدمه پذیرش و ایمان مربوط می‌شود (طباطبایی، ۱۳۴۱ ج، ص. ۱۵۴). در اینجا هدف از دعوت اصلاح نیز بوده است و از این جهت می‌توان آن را کنشی اعتراضی محسوب کرد.
۶. حضرت موسی علیه السلام و هارون در پاسخ به دستور خداوند ترس خود را از دو پیامد ابراز می‌کنند. این ترس ناشی از خطراتی نیست که منافع شخصی را تهدید می‌کند، بلکه به خطراتی بازمی‌گردد که اصل دعوت و منافع بنی اسرائیل را تهدید می‌کند. خطر نخست مبادرت فرعون به مجازات و برخورد قبل از اتمام دعوت و خطر دوم ظلم و ستم به



علیه‌السلام اشاره دارد. عبارت «تزگی» هدف اصلاح فرعون و پاک نمودن وی از شرک را بیان می‌دارد. «خشیت» نیز مترتب بر پاکی بوده که انسان را به اطاعت رهنمون می‌سازد و از معصیت بازمی‌دارد (طبرسی، ۱۳۶۷ د، ص. ۶۵۵).

### ۲.۲. تحلیل و طبقه‌بندی مضامین آیات مرتبط با حق اعتراض سیاسی

پس از معرفی آیات مرتبط با حق اعتراض سیاسی در قرآن کریم و بیان نکات تفسیری آن، نوبت به تحلیل و طبقه‌بندی مضامین آیات می‌رسد. مضامین این آیات بر مبنای کدگذاری عددی در سه سطح مختلف (مضمون پایه، مضمون سازمان دهنده و مضمون فراگیر) مورد بررسی قرار گرفته و موضع شاهد (فراز منتخب از آیه تأییدکننده مضمون پایه) هر کد اصلی برای ارتباط بهتر با سیاق آیات در جدول شماره (۳) ذکر شده است. سپس بر مبنای این تحلیل، چارچوب و ضوابط حق اعتراض سیاسی بیان می‌گردد.

جدول شماره (۳): مضامین آیات و طبقه‌بندی آن‌ها

کد اصلی	نشانی آیات	موضع شاهد	کد فرعی	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده	مضمون فراگیر
۱	آیات ۲۴۶ و ۲۴۷ سوره مبارکه بقره	نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَلِكِ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ	۱.۱	صراحت و شفافیت در مصداق اعتراض	ضوابط بهره‌گیری از حق اعتراض	چارچوب حق اعتراض سیاسی
			۱.۲	استفاده از ابزار گفتگو و بیان در اظهار اعتراض	سیاسی	سیاسی
		قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمَلِكُ عَلَيْنَا قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ	۱.۳	استماع اعتراض و عدم تخطئه و سرزنش اعتراض کنندگان (بزرگان بنی اسرائیل) از سوی پیامبر	وظایف و تکالیف حاکمیت در راستای تضمین حق	حکومت مشروع و الهی
			۱.۴	بهره‌گیری از بیان و گفتگوی متقابل در مواجهه با اعتراض مسالمت‌آمیز		

	اعتراض سیاسی	بزرگان قوم از سوی پیامبر بنی اسرائیل					
		پاسخ مستدل به اعتراض بزرگان قوم از سوی پیامبر بنی اسرائیل	۱.۵				
		ضرورت مطالبه گری و اعتراض نسبت به حکومت/حاکم نامشروع (طاغوت)	۲.۱	إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ	آیه ۴۳ سوره مبارکه طه	۲	
		ضرورت مطالبه و اعتراض مستقیم (بدون واسطه)	۲.۲				
	حق اعتراض سیاسی در حکومت نامشروع و طاغوت	چارچوب بهره‌گیری از حق اعتراض سیاسی در مقابل ظلم و حکومت نامشروع	ضرورت بهره‌گیری از بیانی اثرگذار و اقتناع‌کننده در مطالبه گری و اعتراض	۳.۱	فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لِّیْنَا	آیه ۴۴ سوره مبارکه طه	۳
		ضرورت استناد به آیات و معجزات حق و به طور کلی ادله صحیح و اقتناع‌کننده برای اعتراض	۳.۲	بِآیَاتِنَا / فَلَمَّا جَاءَهُم بِالْحَقِّ / فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ / قَالَ مُوسَىٰ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسْحَرُ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ	آیات ۲۳ و ۲۵ سوره مبارکه غافر، آیات ۷۶ / ۷۵ و ۷۷ سوره مبارکه یونس / آیه		

				۲۷ سوره مبارکه غافر	
	اهمیت شناسایی صحیح دقیق ریشه‌های فساد و ظلم برای اعتراض و اتخاذ راهبردهای متفاوت	۴.۱	فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ	آیه ۲۴ سوره مبارکه غافر	۴
	ضرورت حفظ صداقت، سلامت و شفافیت در تمام مراحل اعتراض	۵.۱	فَاتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ / فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزَكَّىٰ / وَ أَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ / فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ / وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَ رَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ	آیه ۱۶ سوره مبارکه شعراء / آیات ۱۸ تا ۲۰ سوره مبارکه نازعات	۵
ابزارها و راهبردهای مؤثر برای تضییع حق	ایجاد ترس و نگرانی در افکار عمومی برای سلب مسئولیت و بی توجهی به مطالبات و اعتراضات	۶.۱	إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفُسَادَ / لِنُخْرِجَنَّا مِنْ أَرْضِنَا / إِنَّ	آیه ۲۶ سوره مبارکه غافر / آیات ۵۷	۶



اعتراض سیاسی			هَذَا لَسَّاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ / يُرِيدَانِ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ / يُرِيدَانِ أَنْ يَخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ	و ۶۳ سوره مبارکه طه / آیه ۱۱۰ سوره مبارکه اعراف	
	ایجاد نفرت در میان مردم نسبت به معترضان و مطالبه گران برای سلب مسئولیت و بی توجهی به مطالبات و اعتراضات	۷.۱	قَالُوا أَجِئْنَا لِنُلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا / وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى	آیه ۷۸ سوره مبارکه یونس / آیه ۶۳ سوره مبارکه طه / آیه ۳۵ سوره مبارکه شعراء	۷
	نسبت دادن تهمت‌های ناروا (ساحر بودن، قدرت طلبی و ...) به معترضان	۸.۱	لَسَّاحِرٌ مُّبِينٌ، وَتَكُونُ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ، لَسَّاحِرٍ	آیات ۷۶ و ۷۸ سوره مبارکه یونس /	۸

				عَلِيمٌ، لَسَّاحِرٌ عَلِيمٌ، سَاحِرٌ كَذَّابٌ	آیات ۳۴ مبارکه شعراء / آیات ۱۰۹ / آیه ۲۴ سوره مبارکه غافر	
		تهدید و ارباب معترضان (به سلب حقوق، قتل و...)	۹.۱	وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذُرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى	آیه ۲۶ سوره مبارکه غافر	۹

### ۳. چارچوب حق اعتراض سیاسی در حکومت مشروع و الهی

مطابق با آیات ۲۴۶ و ۲۴۷ سوره مبارکه بقره (کد اصلی ۱) می‌توان گفت حق اعتراض سیاسی در حکومت مشروع و الهی به رسمیت شناخته شده است و بدین‌سان پاسخ اولین سؤال فرعی تحقیق (آیا قرآن کریم حق اعتراض سیاسی را به رسمیت می‌شناسد؟) مشخص می‌گردد. در این آیات سخنی از ممنوعیت اعمال این حق به میان نیامده و علاوه بر این، بیان اعتراض از سوی بزرگان بنی‌اسرائیل و عدم مخالفت با اصل آن از سوی پیامبر بنی‌اسرائیل (در جایگاه کنشگر سیاسی مشروع که از سوی خداوند منصوب شده و وظیفه تشکیل حکومت الهی بر عهده اوست) مهم‌ترین نشانه و دلیل ثبوت این حق در قرآن کریم است؛ امری که در این آیات مورد سرزنش و نهی قرار گرفته، نافرمانی مستقیم از دستورات پیامبر خدا و برگزیده خدا در جریان تاریخی یاد شده است؛ اما اصل اعتراض و بهره‌گیری از حق اعتراض نسبت به آن‌ها مشمول این حکم نشده است. در تفاسیر و روایات تفسیری مرتبط که در بخش‌های قبلی مرور شد این موضوع مورد توجه قرار

گرفته که بنی اسرائیل حق نافرمانی از اوامر و نواهی پیامبر خدا را ندارند چرا که صراحتاً به حقانیت و مشروعیت پیامبر خود اعتراف داشتند اما هیچ منع و ردی نسبت به اصل اعتراض آنان وارد نشده است. بر این اساس به نظر می‌رسد اعتراض سیاسی و حق ابراز آن ولو با انگیزه‌های غیردینی یا از روی هوای نفس در حکومت‌های مشروع و الهی و یا در مواجهه با فرستاده یا حاکم مشروع الهی مشمول چنین منعی نشده است. البته باید توجه کرد که بهره‌گیری از هرگونه حقی لازم است در چارچوب خاصی صورت پذیرد و حق اعتراض سیاسی هم از این امر مستثنی نیست.<sup>۱</sup>

پاسخ پیامبر بنی اسرائیل به معترضان بدون سرزنش یا تخطئه آن‌ها، بیانگر تلاش ایشان برای ایجاد فضایی مساعد جهت بیان اعتراض و مواجهه منطقی با ماهیت کنش اعتراضی است که در این آیات به وضوح قابل مشاهده است. البته باید توجه کرد که بر مبنای مفهوم شناسی اعتراض، کنش اعتراضی با کنش‌هایی نظیر انقلاب، کودتا و شورش تفاوت داشته و دربردارنده مقابله مستقیم با نظام سیاسی یا فرستاده مشروع الهی و هنجارهای وضع شده از سوی آن نیست و آیات مورد بررسی دلالتی بر جواز یا به رسمیت شناختن این موارد ندارند.

### ۱.۳. ضوابط بهره‌گیری از حق اعتراض سیاسی

آنچه از آیه ۲۴۶ سوره مبارکه بقره برمی‌آید این است که بزرگان قوم بنی اسرائیل به دلیل ستمگری جالوت و رانده شدن از سرزمین خود، خواستار انتصاب یک حکمران توانمند از سوی خداوند برای دفع این تهدیدات بودند. مطابق با این آیه خصوصیات و سوابق عملکردی و نافرمانی‌های بزرگان بنی اسرائیل باعث می‌شد پیامبر خدا از همراهی و اطاعت ایشان اطمینان کافی نداشته باشد. سرانجام پیامبرشان علی‌رغم آگاهی نسبت به این وضعیت، اعلام نمود که خداوند برای آن‌ها طالوت را به عنوان فرمانروا برگزیده است. آن‌ها نیز با لحنی طلبکارانه به پیامبر خدا اعتراض کرده و فرمانروایی طالوت را از دو جهت مادی و معنوی به چالش کشیدند (طباطبایی، ۱۳۴۱ الف، صص. ۲۸۶ و ۲۸۷). به نظر می‌رسد با توجه به ذهنیت خاصی که در میان بنی اسرائیل پیرامون ملاک انتخاب حاکمان و فرمانروایان از نسل لاوی رایج بود، این اعتراض بدون دلیل و غیرعادی به نظر نمی‌رسید و حتی شاید عده‌ای در میان معترضان با انگیزه آگاهی از فلسفه انتصاب فرمانروا از سوی خداوند، چنین اعتراضی را مطرح کرده بودند. اگرچه با توجه به لحن اعتراض و محتوای آن، غالب معترضان به صورت بهانه‌جویانه و طلبکارانه اقدام به اعتراض کرده بودند.

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر ر.ک. قمی، علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۸۱.

در زمینه ضوابط بهره‌گیری از حق اعتراض سیاسی در حکومت مشروع و الهی باید به دو مؤلفه بنیادین از منظر قرآن کریم اشاره نمود که باعث شده فرایند اعتراض سیاسی به درستی محقق شود. فقدان هر یک از این موارد می‌توانست استیفای این حق را از سوی بزرگان بنی‌اسرائیل با مشکل مواجه کند و مسیر اعتراضی را به انحراف کشاند. پاسخ مستدل پیامبر بنی‌اسرائیل با در نظر داشتن رسالت سیاسی و مشروع وی و عدم تخطئه معروضان نیز در همین راستا قابل تحلیل است. دو مؤلفه مذکور به شرح ذیل است:

۱. صراحت و شفافیت در مصداق اعتراض (کد ۱.۱): به هر میزان که مصداق اعتراض روشن‌تر و شفاف‌تر و به دور از کنایه‌گویی باشد، در سیاق قرآن کریم مطلوب‌تر بوده و از سوی حکومت الهی به آن با سهولت بیشتری رسیدگی می‌شود. بر اساس متن آیات، بزرگان بنی‌اسرائیل در این زمینه سخنان خود را مبنی بر شایسته‌تر بودن خود در امر حکومت و فقدان وسعت مالی از سوی طالوت بدون تعارف، طعنه و کنایه بیان کردند و با پاسخ شفاف و مستدل پیامبر خود مواجه شدند. با رعایت این مؤلفه، حکومت مشروع الهی توانایی بیشتری در به رسمیت شناختن این حق و تعامل اخلاق مدارانه با معترضان پیدا می‌کند. ضمن اینکه افرادی که به قصد سودجویی یا ایجاد مفسده و برهم زدن نظم عمومی اقدام به اعتراض می‌کنند فرصت کمتری برای دستیابی به اهداف خود پیدا می‌کنند.

۲. استفاده از ابزار گفتگو و بیان در اظهار اعتراض (کد ۱.۲): گفتگو و بیان شفاهی همواره یکی از بهترین و کارآمدترین شیوه‌های حل تعارض فردی و اجتماعی در میان ابناء بشر بوده است. تأکید قرآن کریم بر گفتگو و شیوه‌های گوناگون آن به جای تمرد، نافرمانی مدنی، شورش و سایر شیوه‌های خشونت‌بار با هدف حفظ آرامش و امنیت اجتماعی در حکومت مشروع و الهی در بردارنده پیام‌های بسیار زیادی است. ترویج خشونت و سایر ابزارهای غیرمستقیم و مخرب اعتراض سیاسی نه تنها فلسفه و هدف اعتراض را محقق نمی‌کند، بلکه فرصت‌ها و زمینه‌های بعدی اعتراض سیاسی سالم را از مردم سلب می‌کند چراکه ذهنیت عمومی و نگرش کنشگران سیاسی را نسبت به فایده مندی اصل اعتراض و استیفای این حق مخدوش می‌سازد.

### ۲.۳. وظایف و تکالیف حاکمیت در راستای تضمین حق اعتراض سیاسی

در فلسفه حقوق اسلامی هر حقی متضمن نوعی تکلیف متقابل است (جوادی آملی، ۱۳۸۸،

ص ۱۸). حق اعتراض سیاسی نیز از این موضوع مستثنا نبوده و ایجاد کننده تکالیف مشخصی برای حاکمیت در راستای شناسایی و تضمین این حق است. بر اساس آیه ۲۴۷ سوره مبارکه بقره می‌توان گفت حاکمیت سه وظیفه اساسی را بر عهده دارد:

۱. استماع اعتراض و عدم تخطئه و سرزنش اعتراض‌کنندگان (کد ۱.۳): حکومت مشروع الهی موظف است ابتدا شرایط لازم جهت استماع اعتراض مسالمت‌آمیز سیاسی را فراهم کند. این امر می‌تواند با پیش‌بینی انواع قوانین و مقررات، نهادها، ساختارها و کنشگران مرتبط صورت پذیرد. معیار قابل استنباط از رفتار پیامبر بنی‌اسرائیل (به عنوان کنشگر دارای رسالت سیاسی مشروع) در مواجهه با معترضان، استماع اعتراض و عدم تخطئه آنان بود که وظایف و مسئولیت‌های حکومت الهی را در جهت تقویت بسترهای لازم سنگین‌تر می‌سازد.

۲. بهره‌گیری از بیان و گفتگوی متقابل در مواجهه با اعتراض مسالمت‌آمیز (کد ۱.۴): همان‌گونه که قرآن کریم معترضان را به گفتگوی مسالمت‌آمیز دعوت نموده و حکومت مشروع را هم به استماع این اعتراض ملزم می‌سازد، نوع مواجهه و تعامل اولیه با اعتراض‌کنندگان را هم مشخص ساخته است. مطابق آیات قرآن کریم، پیامبر بنی‌اسرائیل در مواجهه با گفتار اعتراضی از ابزار بیان و گفتگوی متقابل بهره برد و تلاش نمود تا زمینه اعتراض را با گفتگوی متقابل برطرف نموده و بی‌جهت از ابزارهای کنترلی، تنبیهی، اقتداری و تعقیبی برای فرونشاندن اعتراض مسالمت‌آمیز استفاده نکرد.

۳. پاسخ مستدل و اقناع‌کننده به اعتراض (کد ۱.۵): مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ستون اصلی حکمرانی به‌ویژه در دنیای امروزی و دموکراسی‌هاست و تقریباً همه مکاتب نظری و محققان بر ضرورت آن اجماع دارند (Bovens et al, 2014, p.2). حکومت الهی و مشروع مازاد بر اینکه ملزم است تا از ابزار گفتگو و تعامل با کنش‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز استفاده کند، برای حمایت و تضمین حق اعتراض سیاسی موظف است تا پاسخ مستدل و اقناع‌کننده‌ای نسبت به پرسش‌ها، مطالبات و انتقادات معترضان ارائه نماید و به‌طورکلی پاسخگویی اقدامات خود باشد. مطابق آیات قرآن کریم، تلاش پیامبر بنی‌اسرائیل در این راستا بسیار درس‌آموز بوده و نشانگر اهمیت پاسخگویی در حکومت الهی و یا از سوی نمایندگان مشروع آن است.

#### ۴. چارچوب حق اعتراض سیاسی در حکومت نامشروع (طاغوت)

آیات متعددی در زمینه حق اعتراض نسبت به حکومت نامشروع وجود دارد که همه آنها پیرامون ماجرای حضرت موسی علیه السلام و فرعون بیان شده است (کد اصلی ۲ الی ۱۰). مبتنی بر این آیات که در سوره‌های متعددی نظیر اعراف، طه و شعراء بیان شده است، حضرت موسی علیه السلام از سوی خداوند متعال مأمور شد تا به سوی فرعون رفته و او را هدایت کند و حکمرانی نامشروع وی را مورد انتقاد قرار دهد. بر همین اساس از منظر قرآن کریم حق اعتراض سیاسی برای مردم و عموم شهروندان در حکومت نامشروع نه تنها به رسمیت شناخته شده است، بلکه متناسب با شرایط و اقتضائات مورد تأکید و سفارش قرآن نیز قرار گرفته و نوعی حق طبیعی و غیرقابل سلب محسوب می‌شود.

بر اساس دلالت‌های مستقیم و سیاق آیات قرآن کریم، توجه به این مطلب ضروری است که حضرت موسی علیه السلام در آغاز مأموریت الهی خود موظف شد تا با تبلیغ و دعوت مستقیم زمینه‌های اصلاح حکومت نامشروع فرعون و اطرافیان وی را فراهم آورد و از همان ابتدا به دنبال انقلاب و تغییر آنی حکومت نبود، در نتیجه اقدامات ایشان مطابق مؤلفه‌هایی که بیان شد، اعتراض سیاسی محسوب می‌شود. پر واضح است که در اعتراض سیاسی اعتقاد به حقانیت یا عدم حقانیت حکومت مداخلیتی ندارد و در هر حالت اعتراض محقق می‌شود؛ اقدام حضرت موسی علیه السلام هرگز به منزله و معنای پذیرش مشروعیت و حقانیت حکومت فرعون نبوده است.

نکته مهمی که باید به آن توجه نمود، موانع و چالش‌هایی است که بر سر راه استیفا و اعمال این حق در حکومت‌های نامشروع و طاغوت وجود دارد. این موانع و چالش‌ها تأثیر مستقیم و انکارناپذیری بر کیفیت بهره‌گیری از حق اعتراض سیاسی داشته و دامنه وقوع و اثرگذاری آن را تحت الشعاع قرار می‌دهند. طبیعتاً به هر میزان که حکومت نامشروع سعی در مقابله و سرکوب کنش اعتراضی، تشویش افکار عمومی و منحرف ساختن مسیر مطالبات و درخواست‌های معترضان داشته باشد، حق اعتراض سیاسی شهروندان بیشتر تضییع شده و حتی احتمال تغییر قالب‌های اعتراضی به سمت مدل‌های تنش‌زا و خشن افزایش می‌یابد.

#### ۱.۴. ضوابط بهره‌گیری از حق اعتراض سیاسی و مقابله با موانع در حکومت نامشروع

مبتنی بر آیات قرآن کریم شش مؤلفه اساسی را می‌توان در راستای بهره‌گیری از حق اعتراض سیاسی و مقابله با موانع در حکومت‌های نامشروع بیان کرد. لازم به ذکر است با توجه به ماهیت حکومت‌های نامشروع و منطق ظالمانه طاغوت، اساساً حق اعتراض سیاسی را به رسمیت نشناخته

و از همه توان خود برای سرکوب اعتراضات استفاده می‌کند. البته این امر نباید مانع بهره‌گیری مردم از حق مشروع خود شود و توصیه‌های قرآن به قیام علیه ظلم و استکبار همواره وجود دارد:

۱. ضرورت مطالبه‌گری و اعتراض نسبت به حکومت/حاکم نامشروع (طاغوت) (کد ۲.۱): تا هنگامی‌که مردم آهنگ مطالبه‌گری و اعتراض نسبت به حاکم/حکومت نامشروع و نداشتن باشند و مطالبات آنان به صورت منفعلانه در ذهن خود یا در خلال گفتگو با یکدیگر مطرح شود، کنش اعتراضی تحقق نمی‌یابد. بر همین مبنا خداوند متعال حضرت موسی علیه‌السلام و هارون را مأمور به حرکت و مطالبه‌گری کرده و آن‌ها را از ظلم و تجاوز فرعون آگاه نموده است (طبرسی، ۱۳۶۷ هـ، صص. ۱۹ و ۲۰). در صورتی‌که این مطالبه‌گری و کنش اعتراضی صورت نمی‌گرفت، نتایج درخشان خود را که همانا نابودی فرعون و نجات بنی‌اسرائیل بود برجای نمی‌گذاشت.

۲. ضرورت مطالبه و اعتراض مستقیم (بدون واسطه) (کد ۲.۲): حق اعتراض سیاسی که از جمله حقوق مدنی و سیاسی است به آحاد جامعه تعلق می‌گیرد و به همین جهت نیز اعمال آن را مستقیم و بدون واسطه دانسته‌اند (Conte & Burchill, 2016, p. 65). با این توضیح که هریک از شهروندان باید بتوانند مستقیماً یا با شکل دادن اجتماعات اعتراض خود را به روش مسالمت‌آمیز بیان کنند. اگرچه در حکومت نامشروع هزینه‌های اجتماعی و سیاسی اعتراض مستقیم بسیار زیاد است، اما قرآن کریم به پشتوانه مبانی امر به معروف و نهی از منکر حتی الامکان اعتراض مستقیم و فعالانه را به اعتراض پنهان و منفعلانه ترجیح می‌دهد و جز در موارد خاص (مانند امر به تقیه به تشخیص امام معصوم علیه‌السلام) نقش‌آفرینی مستقیم و علنی مردم را در مواجهه با ظلم و ستم حاکمان ارجح می‌داند. چراکه ظرفیت بالاتری برای گفت‌وگو سازی و جریان سازی اجتماعی فراهم می‌شود. مطابق با آیات یاد شده، خداوند متعال به حضرت موسی علیه‌السلام و هارون فرمود تا به سوی فرعون رفته و با وی مستقیماً وارد گفتگو شوند (طبرسی، ۱۳۶۷ هـ.ق، صص. ۱۹ و ۲۰).

۳. ضرورت بهره‌گیری از بیان اثرگذار و اقناع‌کننده در مطالبه‌گری و اعتراض (کد ۳.۱ و کد ۳.۲): در منطق قرآن کریم، اولین گام در مطالبه‌گری و اعتراض سیاسی نسبت به حکومت/حاکم نامشروع بهره‌گیری از بیان اثرگذار و اقناع‌کننده است و نمی‌توان به صرف نامشروع بودن حکومت، ابتدا به ساکن از پرخاشگری و اقدامات خشن و یا منطق ضعیف

در کنش اعتراضی بهره برد. بر همین مبنا خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با حاکم طاغوت امر می‌کند که از منطق اقتناعی و اثرگذار استفاده کند (طباطبایی، ۱۳۴۱ ج، ص. ۱۵۴). در نتیجه این ضرورت، استناد به آیات و معجزات حق نیز از دیگر توصیه‌های قرآن کریم است؛ چراکه آیات و معجزات حق مستند به واقعیت بوده و در آن عنصر تخیل یا توهم وجود ندارد؛ برخلاف سحر و جادو که منشأ غیر واقعی و خیالی دارد. حضرت موسی علیه السلام در برابر فرعون از استدلال‌های حقیقی و واقعی بهره می‌گرفت و هیچ‌گاه دعوت و اعتراض خود را بر پایه امور خیالی و غیر واقعی بنیان نهاد (طبرسی، ۱۳۶۷ ب، ص. ۱۸۹). اشاره به روز قیامت با هدف نشان دادن عدالت الهی در رسیدگی به پیامد تلخ ستمگری‌های فرعون از جمله محورهایی است که از سوی حضرت موسی علیه السلام مورد استناد قرار گرفت. این موضوع زمانی مطرح شد که فرعون صریحاً تصمیم خود را مبنی بر قتل حضرت موسی علیه السلام اعلام کرد و ظاهراً آمیدی به هدایت و اصلاح وی وجود نداشت؛ زیرا دو ویژگی تکبر و عدم ایمان به روز قیامت از صفات بارز او بود (طباطبایی، ۱۳۴۱ د، ص. ۳۲۸).

۴. اهمیت شناسایی صحیح و دقیق ریشه‌های فساد و ظلم برای اعتراض و اتخاذ راهبردهای متفاوت (کد ۴.۱): خداوند متعال رسالت حضرت موسی علیه السلام را برای دعوت سه فرد که ریشه‌های اصلی فساد و استعمار در زمان خود بودند تعریف نمود: فرعون به عنوان حاکمی ستمگر، هامان به عنوان وزیر وی و قارون در جایگاه سرمایه‌دار ظالم (طبرسی، ۱۳۶۷ ج، ص. ۸۰۸). برداشتی که از آیات مرتبط می‌توان داشت این است که در هر کنش اعتراضی نسبت به حکومت/حاکم نامشروع باید با هوشمندی و بررسی دقیق به دنبال شناسایی صحیح و واقع‌بینانه ریشه‌های اصلی فساد و ظلم بود.

۵. ضرورت حفظ صداقت، سلامت و شفافیت در تمام مراحل اعتراض (کد ۵.۱): از منظر قرآن کریم حفظ سلامت کنش اعتراضی و حفاظت از ارزش‌هایی همانند صداقت و شفافیت در مراحل مختلف همواره ضرورت دارد. قرآن کریم دائماً به حضرت موسی علیه السلام و هارون به حفاظت از طهارت درونی، دعوت به سوی خداوند و ایجاد خشیت (تقوا همراه با آگاهی از عظمت خداوند) سفارش می‌کند. پرواضح است که انگیزه‌های شخصی و نفسانی همانند قدرت‌طلبی، کسب شهرت و محبوبیت و منافع مادی به راحتی جریان کنش اعتراضی را منحرف ساخته و جز فساد دستاورد دیگری ندارد. تغییر و



تحول فکری، روحی و معنوی مهم‌ترین غایت اعتراض سیاسی حضرت موسی علیه‌السلام بوده است. این تغییر و تحول پیش‌نیاز مهمی برای اصلاح ساختارهای سیاسی و حکمرانی محسوب شده و از منظر قرآن کریم خداوند متعال اوضاع و احوال مردم را تا زمانی که سیرتشان اصلاح نشود، تغییر نمی‌دهد.<sup>۱</sup>

#### ۲.۴. ابزارها و راهبردهای مؤثر برای تضييع حق اعتراض سياسي

از آنجایی که اعمال و استیفای حق اعتراض سیاسی در حکومت‌های نامشروع و طاغوت همواره با موانع و چالش‌های فراوانی مواجه است، به توصیه قرآن کریم این موانع و چالش‌ها نباید باعث دلسردی شود و مردم باید نهایت تلاش و کوشش خود را در راستای استیفای این حق انجام دهند. به همین علت در سیاق تفسیری آیات مورد بررسی، نکات قابل توجهی در زمینه موانع و چالش‌هایی که معمولاً حکومت‌های نامشروع در مسیر این حق ایجاد می‌کنند به چشم می‌خورد و با هدف ایجاد آمادگی ذهنی، قرآن کریم هنگام مرور ماجرای حضرت موسی علیه‌السلام و فرعون، با ظرافت بسیاری به این موانع و به تعبیری راهبردها و فنون حکومت/حاکم نامشروع برای تضييع حق اعتراض سياسي اشاره می‌کند:

۱. ایجاد ترس و نگرانی در افکار عمومی برای سلب مسئولیت و بی‌توجهی به مطالبات و اعتراضات (کد ۶.۱): همان‌طور که آیه ۲۶ سوره مبارکه غافر به آن اشاره دارد، حکومت نامشروع و طاغوت از دو ابزار برای ایجاد ترس در میان مردم بهره می‌گیرد: ابزار نخست ترساندن مردم از تغییر دین و آداب و رسوم فعلی جامعه است که باعث می‌شود حساسیت شدیدی مخصوصاً در میان قشر مذهبی-سنتی محافظه‌کار جامعه ایجاد شده و آنان را علیه اعتراض‌کنندگان و مطالبه‌گران بسیج کند. ابزار دوم نیز اتهام ایجاد فساد در زمین نسبت به معترضان و مطالبه‌گران است که باعث بدبینی و نگرانی افکار عمومی نسبت به آنان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۴۱ د، ص. ۳۲۸). انتخاب این دو ابزار که یکی مادی و دیگری ذهنی است از سوی فرعون بسیار هوشمندانه انجام شده است؛ چراکه با ذهنیت‌ها و منافع بخش عمده‌ای از جامعه گره می‌خورد و می‌تواند افکار عمومی را علیه معترضان متحد نماید. این محدودیت اگرچه مانعی بر سر راه حضرت موسی علیه‌السلام محسوب می‌شد؛ اما ایشان را از اعمال حق اعتراض سياسي بازداشت.
۲. ایجاد نفرت و کینه در میان مردم نسبت به معترضان و مطالبه‌گران برای سلب مسئولیت و

<sup>۱</sup> آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»

بی‌توجهی به مطالبات و اعتراضات (کد ۷.۱): فرعون و اطرافیان وی با بیان این‌که حضرت موسی علیه‌السلام و هارون قصد دارند مذهب مردم مصر را نادیده گرفته و میان مردم و سنت اجدادشان فاصله انداخته و همچنین در تلاش برای غصب سرزمین پدری مردم و آواره نمودن آن‌ها هستند، درصدد نفرت پراکنی علیه ایشان بود. علت تفکیک این نکته از نکته فوق این است که ایجاد ترس و نگرانی به جنبه عقلی-شناختی و ایجاد نفرت و کینه به جنبه حسی-عاطفی مردم بازمی‌گردد و فرعون از هر دو ابزار برای مانع‌تراشی استفاده می‌کرد.

۳. نسبت‌دادن تهمت‌های ناروا (ساحر بودن، قدرت‌طلبی و ...) به معترضان (کد ۸.۱): در تلاش برای مقابله با معترضان و هدایت گران الهی، فرعون و اطرافیان وی القاب زشت و زننده‌ای را همچون جادوگر، دروغ‌گو، قدرت‌طلب و غاصب سرزمین پدری مردم به حضرت موسی علیه‌السلام و هارون نسبت می‌دادند تا افکار و عواطف درونی مردم را علیه ایشان تحریک کنند (فخر رازی، ۱۳۶۰، ص. ۷۱). این قبیل تهمت‌ها اگرچه باعث ایجاد ذهنیت‌های منفی در میان مردم می‌شد؛ اما حضرت موسی علیه‌السلام و هارون را از اعمال حق مشروع خود باز نداشت.

۴. تهدید و ارعاب معترضان (به سلب حقوق، قتل و ...) (کد ۹.۱): تهدید و ارعاب مستقیم یا غیرمستقیم معترضان و مطالبه گران با شیوه‌های گوناگون همواره یکی از راهبردهای حکومت‌های نامشروع در طول تاریخ بوده است. این حکومت‌ها همواره با نقض و سلب حقوق و آزادی‌های عمومی و شهروندی، اقدامات سرکوبگرانه و حتی شکنجه و قتل معترضان، اهداف سیاسی خود را به پیش می‌برند. مطابق آیات قرآن کریم، فرعون حضرت موسی علیه‌السلام را تهدید به قتل نموده و البته با مخالفت برخی از اطرافیان خود مواجه شد.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش اعتراض سیاسی به‌عنوان نوعی کنش سلبی و اصلاحی سیاسی و حق اعتراض سیاسی، مبانی و مؤلفه‌های آن از منظر قرآن کریم با روش تفسیر موضوعی و تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش، حق اعتراض سیاسی را می‌توان در دو سیاق منسجم قرآنی بررسی نمود: ماجرای انتخاب طالوت به‌عنوان فرمانروای بنی‌اسرائیل و دیگری ماجرای بسیار مهم حضرت موسی علیه‌السلام و فرعون. مضامین مجموعه آیات مرتبط با این دو سیاق

با کمک روش تفسیر موضوعی و منابع معتبر تفسیری استخراج و تحلیل گردید و این نتیجه حاصل گردید که اولاً در قرآن کریم حق اعتراض سیاسی به رسمیت شناخته شده است، ثانیاً اعتراض سیاسی در چارچوبی اصلاحی و کاملاً متمایز با هرگونه اقدام رادیکال، خشن و تزییع کننده حق الناس و حقوق عمومی مطرح شده و ثالثاً مؤلفه‌های حق اعتراض سیاسی را می‌توان در چارچوب حکومت‌های مشروع و الهی و حکومت‌های نامشروع (طاغوت) به تفکیک احصاء و تبیین نمود. با این توضیح که جایگاه، شیوه‌ها و ضوابط بهره‌گیری از این حق در حکومت الهی و همچنین جایگاه، ضوابط و البته ابزارها و راهبردهای حکومت نامشروع برای تزییع حق اعتراض سیاسی در آیات قرآن کریم بیان شده است.

با توجه به اصل چهارم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران و محوریت داشتن اسلام و معارف اسلامی در حدوث و بقاء نظام حقوقی و سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مباحث یاد شده می‌تواند مبنای بسیار مهم و اثربخشی برای فرهنگ‌سازی سیاسی و حقوقی، تربیت شهروندی، وضع قوانین و مقررات عمومی، حکمرانی مردم محور و مشارکتی، سیاست‌گذاری و تحولات قضایی و همچنین حقوق بشر اسلامی محسوب شود و با کمک آن، وضع کنونی در لایه‌های مذکور آسیب‌شناسی و در صورت نیاز، اصلاح گردد.

## منابع

- قرآن کریم.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.
- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰.
- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶.
- آپ، کارل دیتز (۱۴۰۰). جنبش اجتماعی و اعتراض سیاسی؛ نظریه‌ها و رویکردها، ترجمه مجید عباسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۳۸۹). ترجمه تفسیر روایی البرهان، ترجمه رضا ناظمیان و همکاران، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور
- بدیع، برتران (۱۳۷۷)، اعتراض و بازسازی سیاسی در جهان اسلام، ترجمه احمد نقیب زاده، فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۰ (۲).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). حق و تکلیف در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء
- حبیب نژاد، سید احمد و سعید، سیده زهرا (۱۳۹۸). بررسی حقوقی آزادی تحصن در نظام جمهوری اسلامی ایران با نگاهی تطبیقی به آزادی تجمع. دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ۶ (۱).
- حسینی، سیدعبدالهادی (۱۳۹۶). «تابوت عهد» از منظر قرآن و تورات، فصلنامه معرفت، ۲ (۱۱).
- خواجه سروی، غلامرضا و حسینی، سید جواد (۱۳۹۷). دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، ۱۴ (۲).
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸). شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۶ (۴)، ۲۹-۴۸.
- سعیدآبادی، محمدرضا (۱۳۸۰). اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۲). موسوعة الإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر قدس سره (۱۹ ج). قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر
- صدیقیان بیدگلی، آمنه (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر گرایش دانشجویان به اعتراض‌های سیاسی، رساله دکترای تخصصی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۹). دینداری و پتانسیل اعتراض سیاسی، مسائل اجتماعی ایران، ۱۱ (۱)
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱ الف). المیزان فی تفسیر القرآن (۲ ج)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱ ب). المیزان فی تفسیر القرآن (۱۰ ج)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱ ج). المیزان فی تفسیر القرآن (۱۴ ج)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱ د). المیزان فی تفسیر القرآن (۱۷ ج)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱ ه). المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ ج)، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). ترجمه تفسیر المیزان (محمدباقر موسوی، مترجم). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی) (نشر اثر اصلی ۱۳۴۱).

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷ الف). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۲ ج)، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷ ب). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۵ ج)، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷ ج). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۸ ج)، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷ د). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۱۰ ج)، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۷ ه). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۷ ج)، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۶۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (۲۲ ج)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۳۷۳). تفسیر الصافی (۱ ج)، تهران: مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی (۱ ج)، قم: دار الکتاب.

لطفی، عارف (۱۳۹۷). اعتراض سیاسی در حکومت اسلامی از منظر فقه شیعه، تهران: کنکاش.

Bovens, M, Goodin, Robert (2014). the Oxford Handbook Public Accountability, Oxford: Oxford University Press.

Conte, Alex, Burchill, Righard (2016). Defining Civil and Political Rights, New York: Routledge.

Gillion, Daniel Q. (2013). The Political Power of Protest Minority Activism and Shifts in Public Policy, Cambridge: Cambridge University Press

Head, M. (2024). Democracy, Protest, and the Law: Defending a Democratic Right, London: Routledge.

Lipsky, M. (1968). Protest as political resource. American political science review, (۶۲), ۱۱۵۸-۱۱۴۴

Maudoodi, Syed Abul 'Ala (1980), Human rights in Islam, London: Islamic Publications.